

شرایط اجرای احکام خارجی در حقوق ایران و مصر

عبدالله خدابخش^۱، اعظم انصاری^{۱*}، محمد مجد کابری^۲

۱. استادیار گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۲. کارشناس ارشد گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۷/۰۲/۲۹ - تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۱۱)

چکیده

امروزه، به علت گسترش روابط خصوصی بین‌المللی، تقریباً همه نظام‌های حقوقی اعمال قوانین و تنفیذ احکام خارجی در دادگاه‌های خود را امری مسلم می‌دانند. با این حال، احکام خارجی را مشابه احکام داخلی نمی‌دانند و سعی می‌کنند احکام خارجی را تحت کنترل بگیرند. بدین منظور شرایطی را برای اجرای احکام خارجی مقرر کرده‌اند که با احراز این شرایط اجرای حکم خارجی ممکن خواهد بود. نظام حقوقی ایران و مصر نیز از این قاعده مستثنی نیست. در زمینه شرایط اجرای احکام در حقوق ایران و مصر آثاری نگاشته و مباحثی مطرح شده است. اما، سؤال مهم این است که آیا شرایط مقرر برای اجرای احکام خارجی در نظام حقوقی مصر و ایران یکسان است؟ و با در نظر گرفتن مقتضیات تجارت بین‌المللی کدام یک از این دو نظام حقوقی مقرراتی مناسب‌تر در این زمینه دارد؟ در مقاله حاضر، ضمن بررسی و مقایسه مقررات ایران و مصر، در زمینه شرایط اجرای احکام خارجی، تلاش می‌شود برخی ابهامات در این حوزه رفع و چشم‌اندازی روشن‌تر در خصوص شرایط اجرای احکام در این دو نظام حقوقی ارائه شود.

کلیدواژه‌گان

ایران، حکم، حکم خارجی، دادگاه صادرکننده صلاحیت، مصر.

* رایانامه نویسنده مسئول: aansari@um.ac.ir

مقدمه

اجرای احکام خارجی یکی از چالش‌های مهم در همه نظام‌های حقوقی دنیاست. از یک سو اجرای هر حکم خارجی بدون بررسی شرایط صدور و محتوای آن می‌تواند مخالف نظم عمومی کشور محل اجرای حکم باشد و حق حاکمیت آن کشور را در صدور برخی احکام خدشه‌دار کند و از سوی دیگر ممانعت بیش از اندازه و غیرضروری در اجرای احکام خارجی باعث تضییع حقوق اشخاص می‌شود و با مقتضیات امروز دنیای حقوق مغایرت دارد. عدم‌شناسایی و اجرای احکام خارجی حتی به ابهام در وضعیت حقوقی اشخاص منجر می‌شود که هم برای خود شخص مشکلاتی به‌دنبال دارد هم بر حجم پرونده‌های حقوقی اشخاص در کشورهای مختلف می‌افزاید. مثلاً اگر برای یک تبعه ایرانی حکم طلاق از دادگاه ایرانی صادر شود و همان شخص در فرانسه خواستار شناسایی و اجرای حکم باشد، چنانچه دادگاه فرانسوی حکم طلاق صادره از دادگاه ایرانی را در فرانسه قابل شناسایی نداند، باید در فرانسه دوباره اقامه دعوا و حکم طلاق اخذ شود. در این صورت، اگر حکم طلاق از دادگاه فرانسوی صادر نشود، آن شخص در ایران مجرد و در فرانسه متأهل محسوب می‌شود.

برای اجتناب از این مشکلات، کشورها احکام خارجی را با رعایت ضوابط و شرایطی قابل شناسایی و اجرا می‌دانند. در حقوق ایران، شرایط اجرای احکام خارجی در ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی^۱ ۱۳۵۶ مقرر شده است. قانون‌گذار مصر نیز، در مواد ۲۹۶ و ۲۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی^۲ ۱۹۶۸، شرایطی را برای اجرای احکام خارجی پیش‌بینی کرده است. البته باید توجه داشت که هم ماده ۱۷۱ ق. ا. ا. م. ا. هم ماده ۳۰۱ ق. آ. د. م. م. این نکته را متذکر شده‌اند که در صورت وجود معاهده‌ای در زمینه اجرای احکام با کشور صادرکننده حکم شرایطی که برای اجرای احکام خارجی در آن معاهده مقرر شده باید رعایت شود. در این حالت، شرایط مقرر در قانون اجرا نخواهد شد یا فقط در موارد سکوت معاهده قابل استفاده خواهد بود.^۳

۱. از این پس در مقاله، به دلیل رعایت اختصار، از عبارت ق. ا. ا. م. ا. استفاده خواهد شد.

۲. از این پس در مقاله، به دلیل رعایت اختصار، از عبارت ق. آ. د. م. م. استفاده خواهد شد.

۳. توجه به وجود معاهده برای اجرای حکم خارجی در دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۷۲۰۰۸۷۲ شعبه ۱۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران، مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۹، به‌وضوح مشهود است و دادگاه اعلام کرده: «... مقررات مندرج در مواد ۱۶۹-۱۷۹ قانون اجرای احکام مدنی را (تا حدی که در تعارض با مقررات این عهدنامه

بررسی تطبیقی شرایط اجرای احکام در دو نظام حقوقی ایران و مصر از آن جهت دارای اهمیت است که ایران، هم به دلیل استفاده از قوانین کشورهای توسعه یافته هم به دلیل عضویت در خانواده حقوق اسلامی^۱، از نظام‌های حقوقی مورد توجه پژوهشگران داخلی و خارجی در حوزه مطالعات تطبیقی است. همچنین، در چند دهه اخیر تأکید بر روابط بیشتر با سایر کشورها، به ویژه در حوزه تجاری، ضرورت توجه ویژه به نحوه شناسایی و اجرای احکام خارجی را نمایان ساخته است. در واقع، یکی از مؤلفه‌های مهم در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه روابط خارجی نحوه تعامل دستگاه قضایی کشور میزبان با احکام صادره از دادگاه‌های خارجی است. نکته قابل توجه دیگر مهاجرت گسترده اتباع برخی کشورهای همسایه به ایران است که احتمال تقاضای شناسایی و اجرای احکام صادره خارجی را در ایران افزایش می‌دهد. کشور مصر نیز در میان کشورهای افریقایی از نظام حقوقی نسبتاً توسعه یافته‌ای برخوردار است و مقررات این کشور در بسیاری از زمینه‌ها، از جمله در خصوص اجرای احکام خارجی، الگوی تدوین مقررات برخی کشورها بوده است.^۲ همچنین، آرای دیوان عالی مصر، از جمله در زمینه اجرای احکام، نه تنها جهت وحدت رویه قضایی در مصر، بلکه در برخی کشورهای عربی نیز تأثیرگذار است.^۳ بنابراین، مقایسه نظام حقوقی ایران با مصر به نوعی مقایسه نظام حقوقی ایران با حقوق برخی کشورهای دیگر متأثر از نظام حقوقی مصر نیز هست که اهمیت این مطالعه تطبیقی را دوچندان می‌سازد. مقایسه تطبیقی نظام‌های حقوقی مختلف در یک موضوع، علاوه بر اینکه بسیاری از ابهامات آن حوزه را برطرف می‌کند، میزان کارایی و مطلوبیت مقررات را در مقایسه با سایر کشورها روشن

{عهدنامه معاضدت حقوقی و قضایی بین ایران و امارات} نباشد) به عنوان رویه مربوط به شناسایی و اجرای احکام خارجی قابل استناد می‌داند.

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص دسته‌بندی و انواع نظام‌های حقوقی دنیا ← عبدالحسین شیروی (۱۳۹۲)، حقوق تطبیقی، ویراست ۲، فصل هشتم.

۲. برخی حقوقدانان (طعمه، شفیق، استانبولی، ادیب ۱۹۹۰، ص ۷) نظام حقوقی سوریه، به ویژه در زمینه آیین دادرسی مدنی، را متأثر از نظام حقوقی مصر می‌دانند.

۳. برای مطالعه بیشتر در زمینه جایگاه دیوان عالی مصر و تأثیر آرای آن در این نظام حقوقی و برخی نظام‌های حقوقی دیگر ← صادق (۲۰۱۴)، ص ۳.

می‌سازد و مشوقی برای قانون‌گذار در جهت اصلاح نواقص احتمالی موجود با بهره‌گیری از راهکارهای سایر کشورها خواهد بود.

در این زمینه، در بخش اول مقاله شرایط ماهوی اجرای حکم خارجی یعنی وجود یک «حکم» خارجی و تبیین مفهوم حکم و همچنین ماهیت «خصوصی» داشتن حکم خارجی بررسی می‌شود و در بخش دوم مقاله به شرایط شکلی اجرای حکم خارجی پرداخته می‌شود. در این بخش شرط رفتار متقابل و عدم مغایرت حکم خارجی با نظم عمومی و اخلاق حسنه کشور مجری حکم در دو جنبه ماهوی و شکلی مورد توجه قرار می‌گیرد و برخی مصادیق آن مطرح می‌شود. در ادامه به موضوع عهدنامه‌ها و توجه به اجرای احکام خارجی در آن‌ها پرداخته می‌شود. قطعیت و معتبر بودن حکم خارجی نیز از شرایط مهم اجرای احکام است که در مقاله بدان توجه شده است. شرط مهم فقدان صدور حکم مخالف از دادگاه‌های کشور مجری حکم از دیگر مطالب ارائه شده در مقاله است. فقدان صلاحیت اختصاصی دادگاه‌های کشور مجری حکم در صدور حکم نیز آخرین شرط از شرایط شکلی اجرای حکم است که بررسی می‌شود. در پایان نتیجه‌گیری از مطالب می‌آید.

شرایط ماهوی اجرای احکام خارجی

قبل از پرداختن به شرایط ماهوی اجرای احکام خارجی ضروری است به اجمال در خصوص مبانی شناسایی و اجرای احکام خارجی نکاتی بیان شود. امروزه، در موضوع شناسایی و اجرای احکام خارجی، مبانی مختلفی مطرح است. برخی «نزاکت» را مبنای این موضوع می‌دانند؛ با این توضیح که دولت‌ها در زمینه رعایت نزاکت از یک سو نیاز اشخاص برای اجرای احکام خارجی را تأمین و از سوی دیگر قدرت حاکمیتی خود را حفظ می‌کنند (Lorenzen 1947: 162). در هر حال این دیدگاه از آنجا که هیچ الزام و وظیفه‌ای بر دولت‌ها در اجرای احکام خارجی تحمیل نمی‌کند چندان مورد توجه نیست. مبنای دیگر دکترین «عمل متقابل» است که شناسایی و اجرای احکام کشور «الف» در کشور «ب» را به شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های کشور «ب» در کشور «الف» منوط می‌سازد. این دکترین، گرچه عدم قطعیت نظریه نزاکت را ندارد، به این علت که اشخاص را به دلیل رفتار حاکمیت (عدم شناسایی و اجرای احکام دادگاه خارجی) از حقوق خود محروم می‌سازد مورد انتقاد است (Juenger 1988: 33). به نظر می‌رسد هیچ‌یک از این مبانی به‌تنهایی توان

پاسخ به این پرسش را ندارند و امروزه دولت‌ها با توجه به هر دو مبنای مزبور، در کنار رعایت حقوق مکتسبه، موضوع شناسایی و اجرای احکام خارجی را مدنظر قرار می‌دهند. درهرحال، در موضوع شناسایی و اجرای احکام خارجی، فارغ از اینکه قانون‌گذار چه مبنایی را مدنظر داشته، وجود شرایطی برای اجرای احکام خارجی ضروری است. دو شرط مهم برای اجرای احکام خارجی ارائه «حکم خارجی» و «ماهیت حقوق خصوصی» حکم مزبور است که در ادامه بررسی می‌شود.

وجود حکم خارجی

ماده ۱۶۹ ق. ا. ا. م. ا. مقرر می‌دارد: «احکام مدنی صادر از دادگاه‌های خارجی، در صورتی که واجد شرایط زیر باشد، در ایران قابل اجراست؛ مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد». همچنین ماده ۲۹۶ ق. آ. د. م. م. مقرر می‌دارد: «احکام و قرارهایی که در کشور خارجی صادر می‌شوند را به همان شرایط مقرر در قانون آن کشور برای اجرای احکام مصری می‌توان در مصر اجرا نمود».

تفکیک بین حکم و قرار امری مرسوم است؛ که در هر دو نظام حقوقی مصر و ایران بدان توجه شده است. ماده ۲۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی ایران مقرر می‌دارد: «چنانچه رأی دادگاه راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن به طور جزئی یا کلی باشد، حکم، و در غیر این صورت، قرار نامیده می‌شود». مطابق این ماده «می‌توان گفت رأی دادگاه اگر دارای دو خصیصه راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن باشد، حکم است و چنانچه فاقد این دو ویژگی باشد، قرار نامیده خواهد شد» (مهاجری ۱۳۸۹: ۶۵).

قانون‌گذار مصر، در مواد اجرای احکام خارجی، قرار را در کنار احکام ذکر کرده است. بنابراین قرارهای صادره از دادگاه‌های خارجی را نیز می‌توان در مصر اجرا کرد (Foda & Kamel 2010: 47). اما، در ایران، قانون‌گذار کلمه قرار را در مواد اجرای احکام خارجی ذکر نکرده است. درهرحال، با بررسی قانون اجرای احکام مدنی و قانون آیین دادرسی مدنی ایران می‌توان فهمید که اجرای قرارهای صادره از محاکم خارجی در ایران ممکن نیست. زیرا، اولاً مقنن ایرانی در مواد اجرای احکام خارجی کلمه قرار را ذکر نکرده است و ثانیاً براساس بند ۴ ماده ۱۶۹ ق. ا. ا. م. ا.

فقط حکم قطعی را می‌توان اجرا کرد و حکم وقتی قطعی است که لازم‌الاجرا و غیرقابل رجوع باشد؛ درحالی‌که قرار، به این معنا، قطعی نیست. این در حالی است که در حقوق بسیاری از کشورها اجرای قرارهای خارجی امکان‌پذیر است. ماده ۵۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه، مصوب ۱۹۷۵، ماده ۱۸ و قانون اصول محاکمات آلمان و ماده ۶۶ قانون حقوق بین‌المللی خصوصی ایتالیا، مصوب ۱۹۹۵، حاکی از پذیرش اجرای قرار خارجی در کشورهای توسعه‌یافته است (سلامه ۲۰۰۰: ۵۸۶).

گرچه قرارهای قضایی خارجی بر اساس ق. ا. ا. م. ا. در ایران قابل اجرا نیستند، ممکن است موافقت‌نامه‌های همکاری قضایی بین ایران و کشورهای دیگر مقرراتی در این زمینه داشته باشند. مثلاً ماده ۳۲ موافقت‌نامه همکاری قضایی بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه (۱۳۸۱) مقرر کرده: «احکام قضایی و قرارهای اداری صادره توسط مراجع قضایی هر یک از دو کشور طرف موافقت‌نامه با رعایت شرایط زیر در کشور دیگر به رسمیت شناخته خواهد شد».

نکته قابل توجه دیگر مرجع صدور احکام خارجی است. سؤال این است که آیا عبارت احکام مدنی صادر از دادگاه‌های خارجی، که در ماده ۲۹۸ ق. آ. د. م. مصر و ماده ۱۶۹ قانون ا. ا. م. ایران ذکر شده، به این معناست که احکام صادره از مراجع خارجی غیر از دادگاه‌ها در مصر و ایران قابلیت اجرا ندارند؟^۱ اکثر حقوقدانان مصر بر این باورند که نباید به مرجع صادرکننده حکم توجه کرد و قاضی کشور محل اجرای حکم باید به ماهیت حکم توجه کند و چنانچه حکم صادره ماهیت قضایی دارد قابل اجراست. مثلاً ممکن است حکم طلاق از یک مرجع دینی یا اداری صادر شود. بنابراین، مرجع صدور اهمیت ندارد و فقط باید به ماهیت قضایی تصمیم و نیز صلاحیت مرجع صدور رأی توجه کرد (منزلاوی ۲۰۰۸: ۱۸۵).

در حقوق ایران، به باور برخی حقوقدانان، حکم باید از سوی دادگاه صلاحیت‌دار صادر شده

۱. به عنوان مثال ماده ۲۷ قانون اصول محاکمات کشور اردن مورخ ۱۹۸۸، درباره صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها مقرر می‌دارد که محاکم اردن در امور مدنی برای رسیدگی به دعاوی همه اشخاص، صلاحیت قضایی دارند به جز مواردی که براساس قانون دیگری به محاکم دینی یا محاکم خاصی حق قضاوت یا رسیدگی به دعاوی داده شده باشد. بنابراین، ممکن است قاضی مصری یا ایرانی با یک حکم خارجی صادره از محاکم دینی کشور اردن مواجه شود.

باشد (سلجوقی ۱۳۸۷: ۵۳۶). عده دیگری بر آن اند که برای اینکه دستور صادرشده از دادگاه خارجی را حکم تلقی کنیم، وجود دو شرط لازم است: قانون مقرر دادگاه محل تقاضای شناسایی و اجرای حکم دستور صادرشده را حکم بدانند و نیز قانون دادگاه محل صدور تصمیم مزبور را حکم بدانند. پس، اگر مطابق قوانین هر یک از دادگاه‌های محل صدور یا محل تقاضای شناسایی و اجرا دستور صادرشده حکم محسوب نشود، نمی‌توان تصمیم اتخاذشده توسط دادگاه را حکم خارجی تلقی کرد (مردانی ۱۳۹۰: ۱۳۸). در هر حال، به نظر می‌رسد اگرچه قانون‌گذار ایران صراحتاً عبارت احکام مدنی صادر از دادگاه‌های خارجی را به کار برده است، تعیین مرجع صلاحیت‌دار برای حل و فصل یک دعوا از مسائل مربوط به اصول محاکمات است و براساس ماده ۹۷۱ قانون مدنی ایران «دعای از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجعه به اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه می‌شود...» و چنانچه قانون یک کشور صلاحیت حل و فصل یک دعوا و صدور حکم در آن موضوع را به دادگاه اعطا نکرده بلکه اختیار مذکور را به یک مرجع دینی یا اداری داده باشد، اگر مرجع مذکور دعوا را بررسی و حکمی صادر کند که جنبه مدنی داشته باشد، حکم مزبور می‌تواند در ایران شناسایی و اجرا شود.

ماهیت خصوصی حکم خارجی

با توجه به عبارت «احکام مدنی ... خارجی»، مندرج در ماده ۱۶۹ ق. ا. ا. م. ا، روشن است احکام صادره از دادگاه‌های خارجی وقتی در ایران قابل اجرا هستند که جنبه مدنی و خصوصی داشته باشند. حقوق مصر نیز همین وضعیت را دارد. در واقع، اکثر نظام‌های حقوقی در دنیا احکام مالیاتی و جریمه و هر حکم دیگری را که ماهیت جزایی دارد از مسائل مربوط به حقوق عمومی می‌دانند و از حوزه شناسایی و اجرای احکام خارجی خارج می‌کنند (Brand 2012: 12). گفتنی است چنانچه جرمی در خارج از کشور واقع شود و مجنی علیه در آن کشور در کنار دعوی جزایی دعوی جبران خسارت اقامه کرده باشد، حکم صادره از دادگاه جزایی برای جبران خسارت مجنی علیه در مصر و ایران قابل اجراست. البته تشخیص ماهیت حکم، وصف حقوقی آن، و اینکه درباره یکی از مسائل حقوق خصوصی است یا خیر با مسئله توصیف مرتبط است و قانون صالح برای توصیف آن قانون کشور محل اجرای حکم است (حداد ۲۰۱۰: ۳۱۸).

شرایط شکلی اجرای احکام خارجی

علاوه بر لزوم وجود شرایط ماهوی برای اجرای حکم خارجی، وجود برخی شرایط شکلی نیز برای شناسایی و اجرای احکام خارجی ضروری است و نبود یکی از این شرایط می‌تواند مانع اجرای حکم خارجی شود. در ادامه شرایط شکلی مزبور بررسی می‌شود.

رفتار متقابل

اصولاً هدف شخص از اقامه دعوا یا دفاع در مقابل یک ادعا این است که نتیجه‌ای که از جریان رسیدگی عاید او می‌شود اجرا شود. به عبارت روشن‌تر، رأی صادره اجرا شود. در غیر این صورت، دادرسی برای اطراف دعوا بی‌ارزش و صرفاً نوعی اتلاف وقت و هزینه محسوب می‌شود. رأی صادره چنانچه بخواهد در کشوری غیر از کشور محل صدور آن اجرا شود، نیازمند همکاری قضایی میان کشورهاست (Tang 2014: 224). این همکاری نیز اصولاً بی‌قید و شرط نیست. بسیاری از کشورها اجرای احکام خارجی را بر شرط رفتار متقابل^۱ معلق کرده‌اند. در حقوق ایران و مصر نیز اجرای احکام خارجی بر شرط رفتار متقابل معلق شده است. بند ۱ ماده ۱۶۹ ق.ا.ا.م.ا. مقرر می‌دارد: «حکم از کشوری صادر شده باشد که به موجب قوانین خود یا عهد یا قراردادها احکام صادر از دادگاه‌های ایران در آن کشور قابل اجرا باشد یا در مورد اجرای احکام معامله متقابل نمایند».

اصولاً نبود معاهده بین کشور ایران و کشور صادرکننده رأی به معنای عدم تحقق شرط مزبور است (شیروی ۱۳۹۳: ۵۲۶). در حال، در صورت نبود معاهده، دادگاه ایرانی با توجه به قسمت پایانی بند ۱ ماده ۱۶۹ ق.ا.ا.م.ا. اجرای عملی احکام دادگاه‌های ایرانی در کشور خارجی را بررسی می‌کند و چنانچه احکام ایرانی در آن کشور اجرا شوند، با استناد به رفتار متقابل، به اجرای حکم خارجی در ایران دستور می‌دهد. در همین زمینه، با توجه به اینکه مطابق استعلام دادگاه عمومی حقوقی مجتمع شهید بهشتی تهران در دعوی مورد رسیدگی به شماره دادنامه ۹۶۰۹۹۷۰۳۲۶۱۰۱۱۷۰ مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۱۴، مشخص شد احکام دادگاه‌های ایرانی در سوئد اجرا نمی‌شوند، دادگاه دستور اجرای حکم صادره از دادگاه سوئد را صادر نکرد.

همچنین ماده ۲۹۶ ق. آ. د. م. م. مقرر می‌دارد: «احکام و قرارهایی که در کشور خارجی صادر می‌شود را به همان شرایط مقرر در قانون آن کشور برای اجرای احکام مصری می‌توان اجرا کرد». شرط رفتار متقابل در این حوزه دو معنی دارد: الف) هرگاه حکمی از دادگاه خارجی صادر شود و در کشور صادرکننده حکم اجرای احکام صادره از کشور محل تقاضای اجرا امکان‌پذیر نباشد، آن حکم خارجی اجرا نخواهد شد و ب) احکام خارجی با همان شرایط و روش‌های مقرر در کشور خارجی برای شناسایی و اجرای احکام کشور محل تقاضای اجرای حکم قابل اجرا هستند.

بررسی دو ماده فوق نشان می‌دهد عبارت «به همان شرایط» در قانون مصر آمده، اما، در قانون ایران چنین عبارتی دیده نمی‌شود. با توجه به این عبارت، در موردی که قاضی مصری با موضوع شناسایی و اجرای حکم خارجی مواجه می‌شود، باید بررسی کند که دادگاه کشور خارجی براساس چه روشی و چه شرایطی در زمینه شناسایی و اجرای احکام مصری اقدام می‌کند؟ احکام صادره از کشور خارجی با همان شرایط و روش مقرر در آن کشور برای اجرای احکام مصر در مصر قابل اجراست (الجدای ۱۹۸۸: ۱۷۷). بنابراین، شرط رفتار متقابل در حقوق مصر هم معنای اول هم معنای دوم شرط رفتار متقابل را شامل می‌شود. اما در حقوق ایران شرط رفتار متقابل فقط معنی اول را دربرمی‌گیرد. بدین معنی که اگر حکم ایرانی در کشور خارجی قابل اجرا باشد، احکام آن کشور در ایران قابل اجراست. اما روش شناسایی حکم خارجی بر شرط رفتار متقابل معلق نشده است و با رجوع به ماده ۱۷۲ و ۱۷۴ ق. آ. ا. م. ا. و ماده ۹۷۲ قانون مدنی ایران می‌توان فهمید که برای اجرای احکام خارجی قانون‌گذار ایرانی نظام صدور دستور اجرا و روش کنترل محدود حکم خارجی را انتخاب کرده است. زیرا مطابق مواد فوق محکوم‌له باید به دادگاه مراجعه و اجرای حکم خارجی را کتباً تقاضا کند و متعاقباً دادگاه به بررسی تقاضای محکوم‌له و مدارک ضمیمه آن می‌پردازد و فقط به شرایط شکلی مندرج در ماده ۱۶۹ ق. آ. ا. م. توجه می‌کند و در صورت تحقق آن شرایط دستور اجرای حکم خارجی را صادر می‌کند «بی‌آنکه خود را مجاز بداند که در حکم مداخله کند یا آن را تغییر دهد» (سلجوقی ۱۳۸۷: ۵۵۴) یا با ذکر علل تقاضای محکوم‌له را رد و این موضوع را به وی اعلام می‌کند. در حقوق مصر، گرچه قانون‌گذار در ماده ۲۹۷ صراحتاً اعلام کرده که اجرای حکم خارجی براساس نظام صدور دستور اجرا می‌شود، دقیقاً مشخص نکرده از

کدام روش برای «شناسایی» حکم خارجی باید استفاده شود و آن را با رجوع به ماده ۲۹۶ بر شرط رفتار متقابل معلق کرده است. در زمینه روش شناسایی میان حقوقدانان مصری اختلاف نظر وجود داشت تا اینکه دیوان عالی کشور مصر در حکم شماره ۱۴۰ سال ۱۹۹۱ صراحتاً مقرر کرد: «قاضی مصری در مورد اجرای احکام خارجی اختیار دارد که دستور اجرای حکم خارجی را صادر نکند. ولی نمی‌تواند وارد بررسی ماهوی آن شود و آن را باطل کند» (منزلای ۲۰۰۸: ۲۰۱). بنابراین، می‌توان گفت نظام صدور دستور اجرا و روش کنترل محدود در این دو نظام حقوقی اجرا می‌شود. در هر حال باید توجه داشت ذکر شرط رفتار متقابل در حقوق کشورها برای این نیست که اجرای احکام خارجی دشوارتر شود. این شرط مشوقی برای دادگاه‌های خارجی است تا باعث شود آن‌ها به شناسایی و اجرای احکام صادره خارجی اقدام کنند (Brand 2012: 12). در مصر بسیاری از حقوقدانان از این شرط انتقاد کردند و این شرط را واجد جنبه سیاسی دانستند؛ در حالی که روابط خصوصی بین‌المللی اشخاص باید از مسائل سیاسی دور باشد (منزلای ۲۰۰۸: ۲۰۵؛ حداد ۲۰۱۰: ۳۲۷؛ عبدالعال ۲۰۰۰: ۱۹۵). بعضی حقوقدانان ایرانی نیز از این شرط انتقاد کرده‌اند و بر آن‌اند که شرط رفتار متقابل مهم‌ترین مانع شناسایی و اجرای احکام خارجی است (شیروی ۱۳۹۳: ۵۲۶).

عدم مغایرت با نظم عمومی و اخلاق حسنه

بند ۲ ماده ۱۶۹ ق. ا. ا. م. ا. مقرر می‌دارد: «مفاد حکم مخالف با قوانین مربوط به نظم عمومی یا اخلاق حسنه نباشد». همچنین، قسمت دوم بند ۴ ماده ۲۹۸ ق. آ. د. م. م. مقرر می‌دارد: «حکم یا قرار صادره تعارضی با نظم عمومی و اخلاق حسنه کشور مصر نداشته باشد». این شرط در حقوق مصر و ایران مانع اجرای حکم خارجی تلقی می‌شود. در واقع، اجرای حکم خارجی نیز همانند اجرای قوانین خارجی تا اندازه‌ای ممکن است با اساس تشکیلات یا امنیت داخلی و احساسات وجدانی جامعه کشور مجری حکم منافات داشته باشد. مثلاً، در صورتی که در کشوری ازدواج بین محارم جایز باشد و حکمی بر این مبنا صادر شده باشد، اجرای آن حکم در ایران هم از نظر شرعی هم از نظر قوانین امری، یعنی نظم عمومی و اخلاق حسنه، جایز نیست. ملاک ماده ۹۷۵ قانون مدنی ایران نیز مؤید این موضوع است (رودیجانی ۱۳۹۲: ۳۵۸). البته نظم عمومی مفهوم

نسبی دارد. بنابراین، در هر زمان و هر جامعه‌ای متفاوت است. مثلاً، تجارت مواد مخدر در قرن ۱۹ مخالف نظم عمومی نبود. ولی امروزه کشورهای دنیا آن را مخالف نظم عمومی می‌دانند (العیسی ۲۰۰۹: ۳۲۰).

در زمینه مغایرت حکم خارجی با اخلاق حسنه نیز موارد متعددی وجود دارد. مثلاً برخی احکام صادره از دادگاه‌های انگلستان، که موضوع آن‌ها تعدد زوجات است، حاوی عباراتی است که احساسات مردم یک کشور مسلمان را جریحه‌دار می‌کند. عبارتی مانند «آن نظامی که آن‌ها - منظور مسلمانان - ازدواج می‌نامند» یا «آن نظامی که افراد غیرمؤمن - منظور مسلمانان - با آن آشنایی دارند» (عبدالعال ۲۰۰۰: ۲۸۴). در مواردی که رأی فقط حاوی عبارات موهن و بعضاً تحریک‌کننده احساسات عمومی است، اما، از سایر جهات موافق موازین است و مثلاً حکم به پرداخت نفقه صادر شده، بعضی از حقوقدانان مصری با استناد به مغایرت با اخلاق حسنه با اجرای این احکام مخالف اند. در موردی مشابه، دادگاه فرانسه حکم دادگاه آلمانی را اجرا نکرد؛ صرفاً به این دلیل که حکم مزبور، ضمن به‌سخره گرفتن زنان فرانسه، به شهرت و نیک‌نامی آنان توهین کرده بود. به باور برخی، در همه موارد نمی‌توان درج چنین عباراتی را در حکم مانع اجرای آن دانست و به موضوع باید براساس اوضاع و احوال هر دعوا و حکم توجه کرد. مثلاً باید دقت شود آیا این عبارت بر حکم صادره اثری دارد یا خیر (عبدالعال ۲۰۰۰: ۲۸۵). به نظر می‌رسد دیدگاه اخیر را می‌توان در حقوق ایران نیز تأیید کرد.

به‌طور کلی، درخصوص تشخیص تعارض حکم خارجی با نظم عمومی و اخلاق حسنه معیار معینی در نظام‌های حقوقی وجود ندارد و قاضی با صلاح‌دید خود تعارض حکم خارجی با نظم عمومی کشور خود را تشخیص می‌دهد. نظم عمومی به دو دسته نظم عمومی ماهوی و نظم عمومی شکلی تقسیم می‌شود (Oelmann 2006: 84). ازین‌رو، قضات تعارض حکم خارجی با نظم عمومی را از دو منظر مدنظر قرار می‌دهند.

تعارض از لحاظ ماهیت و مفاد حکم

در برخی موارد مفاد و محتوای حکم خارجی با نظم عمومی کشوری که تقاضای اجرای حکم از دادگاه آن شده در تعارض است. فرض کنید حکم خارجی درباره ارتش باشد و بین وراثت مرد و

زن مسلمان از لحاظ سهم الارث تفاوتی نباشد. در چنین موردی حکم خارجی از لحاظ ماهیت با نظم عمومی مصر تعارض دارد (سلامه ۲۰۰۰: ۷۲۰)؛ همچنان که حکم خارجی مبنی بر پرداخت سود با نظم عمومی ایران تعارض دارد و در ایران قابل اجرا نیست. این موضوع در پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۰۲۳۷۶۰۰۳۹۶ شعبه ۵۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران، مورخ ۱۳۹۶/۹/۲۰، مطرح شد. موضوع این پرونده درخواست اجرای حکم دادگاه دبی بود. در حکم مزبور خواندگان به پرداخت مبلغ ۴/۳۵۰/۰۰۰ درهم خسارات دادرسی و سود ۹ درصد از تاریخ مطالبه تا پرداخت کامل به خواهان محکوم شدند. دادگاه ایرانی اعلام کرد قسمتی از حکم در زمینه محکومیت خواندگان به پرداخت ۹ درصد سود در ایران قابل شناسایی و اجرا نیست. زیرا با نظم عمومی ایران تعارض دارد. در تبیین این تعارض، دادگاه اعلام کرد اصطلاح نظم عمومی یا اخلاق حسنه واژه‌هایی هستند که در مفهوم خود و نیز تطبیق آن بر مصادیق مبهم‌اند. پس، دادگاه در مقام بررسی مخالفت با نظم عمومی یا اخلاق حسنه به این معیار توجه دارد که اگر همان دعوا در دادگاه ایرانی مطرح شود آیا دادگاه ایرانی می‌تواند علاوه بر محکومیت به پرداخت اصل دین، که ارزش خارجی است، مبلغی را هم به‌عنوان سود سالیانه لحاظ کند یا خیر. از آنجا که اصل دین از نوع وجه رایج نیست و ارزش خارجی است، صدور حکم به پرداخت مبلغ مزاد بر اصل دین به‌عنوان سود یا خسارت تأخیر تأدیه مخالف نص ماده ۵۲۲ ق. آ. د. م. ا. (یک قاعده آمره) و خلاف نظم عمومی است.

تعارض از لحاظ عدم رعایت قواعد آیین دادرسی

گاهی محتوای حکم خارجی برای نظام حقوقی کشور محل اجرا قابل تحمل است؛ اما جریان رسیدگی به دعوی موضوع حکم خارجی به‌طور صحیح اداره نشده یا مثلاً دادخواست به خواننده ابلاغ نشده است. قانون‌گذار مصر مسئله رعایت قواعد آیین دادرسی و حقوق دفاع طرفین دعوا را مجزا از مسئله نظم عمومی مطرح کرده و در مواد مربوط به شرایط اجرای احکام خارجی در بند ۲ ماده ۲۹۸ مقرر کرده است: «احضار متداعیین به‌طور قانونی صورت گرفته و شخصاً در دادگاه حضور یافته باشند یا آنکه نماینده فرستاده باشند». با این حال دیوان عالی کشور مصر این موضوع را مربوط به نظم عمومی می‌داند. پس، بر این نکته تأکید و قاضی را مکلف کرده که از رعایت

حقوق دفاع در دعوی موضوع حکم خارجی مطمئن شود و چنانچه رسیدگی به دعوا با نظم عمومی مصر تعارض داشته باشد، دستور اجرای حکم خارجی را صادر نکند (منزلاوی ۲۰۰۸: ۲۱۵).

در حقوق ایران چنین شرطی تصریح نشده است. اما، بدون تردید، رعایت اصول دادرسی مدنی، مانند حق دفاع، از موضوعات بسیار مهم مربوط به نظم عمومی است. بنابراین، دادگاه ایران در رسیدگی به درخواست اجرای حکم خارجی نمی‌تواند از آن غافل بماند. همچنین، به باور برخی محققان ایرانی، حکم صادره از دادگاه خارجی حاصل اعمال دو نوع قاعده، یعنی قواعد دادرسی مدنی و چگونگی رسیدگی به دعوا و قواعد مربوط به ماهیت، است. پس، قاضی ایرانی برای اجرای آن در ایران، علاوه بر مفاد حکم، کیفیت رسیدگی را نیز از منظر نظم عمومی بررسی می‌کند (سلجوقی ۱۳۸۷: ۵۴۷). بدیهی است اطمینان از رعایت قواعد آیین دادرسی در جریان رسیدگی به دعوا با رجوع به قانون کشور محل صدور حکم و نه قانون کشور محل اجرا حاصل می‌شود. ماده ۹۷۱ قانون مدنی ایران نیز مؤید این نظر است. با توجه به نکته اخیر می‌توان به یک پرسش مهم در زمینه اجرای احکام خارجی پاسخ داد و آن اینکه اگر حکمی در کشور خارجی بدون ذکر علل و جهات صادر شده باشد، آیا اجرای آن با نظم عمومی کشور مصر و ایران مغایرت دارد؟ در مصر اکثر حقوقدانان بر آنند که اجرای حکم خارجی، که بدون ذکر جهات و دلایل و مستندات و اصول و مواد قانونی، که رأی مستند بدان‌هاست، صادر شده باشد، با نظم عمومی مصر مخالف نیست. زیرا گرچه براساس ماده ۱۷۶ قانون آ. د. م. م. ذکر جهات و دلایل صدور حکم از شرایط صحت آن است، این ماده ویژه نظام حقوقی داخلی است و در نظام بین‌المللی قابل اعمال نیست. دیوان عالی کشور مصر نیز حکم بدون جهات و دلایل را که از دادگاه کشور سودان صادر شده بود در مصر قابل اجرا دانست (سلامه ۲۰۰۰: ۷۲۲).

در نظام حقوقی ایران، به موجب بند ۴ ماده ۲۹۶ ق. آ. د. م. م.، جهات و دلایل و مستندات و اصول و مواد قانونی که رأی براساس آن‌ها صادر شده باید در حکم ذکر شود. اما به نظر می‌رسد این شرط برای صدور احکام داخلی است و قابل تسری به احکام خارجی نیست. زیرا مطابق ماده ۹۷۱ قانون مدنی ایران دعوا از لحاظ آیین دادرسی تابع قانون محل اقامه است و چنانچه قانون

محل اقامه دعوا ذکر جهات و دلایل حکم صادره را شرط صحت آن نمی‌داند، آن حکم می‌تواند در ایران اجرا شود.

فقدان مخالفت با عهدنامه‌های بین‌المللی یا قوانین مخصوص

بند ۳ ماده ۱۶۹ ق.ا.م.ا. مقرر می‌دارد «اجرای حکم مخالف با عهود بین‌المللی، که دولت ایران آن را امضا کرده یا مخالف قوانین مخصوص نباشد». عدم اجرای چنین حکمی در حقوق ایران به این جهت است که عهدنامه‌های مصوب مجلس در حکم قانون‌اند. بنابراین، حکم مخالف با آن صحیح و قابل اجرا نیست (مدنی کرمانی ۱۳۹۴: ۱۸۱). مثلاً، برخی مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی کار، که ایران بدان پیوسته است، از نظر ساعات کار و مرخصی و ... متضمن قواعدی است که مانع اجرای حکم کشوری می‌شود که به این مقاوله‌نامه‌ها ملحق نشده است (مدنی ۱۳۸۴: ۲۴۷). از قوانین خاص نیز می‌توان به قواعد وصیت اشاره کرد. چنانچه دادگاه خارجی حکمی صادر کند که وصیت مازاد بر ثلث را مؤثر می‌داند، این حکم به دلیل مغایرت با ماده ۸۴۳ قانون مدنی ایران در مورد اشخاص تابع مقررات ایران قابل اجرا نیست (مدنی کرمانی ۱۳۹۴: ۱۸۱). شرط فقدان مخالفت با عهدنامه‌های بین‌المللی یا قوانین خاص در مقررات مصر مطرح نشده است که شاید به دلیل ارتباط این موضوع با مفهوم نظم عمومی و کفایت درج شرط عدم مغایرت با نظم عمومی برای ارزیابی حکم باشد.

قطعیت، لازم‌الاجرا، و معتبر بودن حکم

بند ۴ ماده ۱۶۹ ق.ا.م.ا. مقرر می‌دارد: «حکم در کشوری که صادر شده قطعی و لازم‌الاجرا بوده و به علت قانونی از اعتبار نیفتاده باشد». همچنین، بند ۳ ماده ۲۹۸ ق.آ.د.م. مقرر می‌دارد: «حکم یا قرار بر طبق قانون دادگاه صادرکننده حکم قطعی باشد». این شرط در حقوق بسیاری کشورها ذکر شده است. دیوان عالی مصر در رأی ۲ نوامبر ۱۹۹۴ حکم قطعی را این‌گونه تعریف کرده است: «حکم قطعی حکمی است که مراحل بدوی و تجدیدنظر را گذارنده باشد» (سلامه ۲۰۰۰: ۶۸۹). برخی حقوق‌دانان ایرانی (شمس ۱۳۸۷: ۲۲۷) حکم قطعی را حکمی می‌دانند که در مقابل آن هیچ‌یک از طرق عادی شکایت (واخواهی یا تجدیدنظر) قابل طرح نباشد یا آن‌طور که برخی دیگر (واحدی ۱۳۸۳: ۱۳۰؛ مهاجری ۱۳۸۸: ۵۹) اعلام کرده‌اند رأی قطعی رأیی است که

قابل اجراست و این رأی یا غیرقابل اعتراض است یا قابل اعتراض؛ اما با تأیید در مرجع بالاتر یا عدم استفاده محکوم علیه از حق اعتراض و انقضای موعد اعتراض قطعیته یافته است.

شرط قطعیته به این دلیل مطرح شده که تا حکمی قطعی نشده باشد قابلیت اجرا حتی در کشور صادرکننده را ندارد و به طریق اولی در ماوراء مرزهای کشور محل صدور نیز قابل اجرا نیست و برای ذی نفع نیز حقی ایجاد نمی کند (ارفع نیا ۱۳۸۳: ۲۵۶).

حقوقدانان مصری بر آن اند که قطعیته حکم براساس قانون کشور صادرکننده حکم مشخص می شود. زیرا مفهوم قطعیته حکم ممکن است برحسب قانون هر کشور متفاوت باشد. بدین منظور اگر قانون کشور صادرکننده این وصف را محرز نداند، حق کاملی به وجود نیامده است (سلامه ۲۰۰۰: ۶۹۹). همین رویکرد در حقوق ایران نیز قابل تأیید است. با توجه به ماده ۹۷۱ قانون مدنی ایران می توان دریافت که قطعیته و لازم الاجرا بودن حکم از موضوعات مربوط به قانون اصول محاکمات است. بنابراین، تشخیص قطعیته یا عدم قطعیته مطابق قانون کشور صادرکننده حکم صورت می گیرد. درخصوص اجرای قرارهای خارجی نیز باید به شرط قطعیته توجه شود. البته، همان گونه که پیش ازین آمد قرارهای خارجی در ایران قابل اجرا نیستند. اما در حقوق مصر قرارهای خارجی نیز در صورت قطعیته قابل اجراست. منظور قانون گذار مصر از قرار قطعی تصمیمی است که مهلت اعتراض آن منقضی شده است و قابل اجراست (منزلاوی ۲۰۰۸: ۲۱۸).

گفتنی است در بند ۴ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی قانون گذار در ردیف قطعی و لازم الاجرا بودن حکم صادره عبارت «و به علت قانونی از اعتبار نیفتاده باشد» را نیز افزوده و در بند ۸ بیان کرده: «دستور اجرای حکم از مقامات صلاحیت دار کشور صادرکننده حکم صادر شده باشد». منظور از عبارت «و به علت قانونی از اعتبار نیفتاده باشد» این است که حکم مطابق با قانونی که بر آن حاکم است به وجود آمده و همه شرایط لازم را داراست و هنوز اعتبار دارد و مثلاً مشمول مرور زمان نشده است (پورنوری ۱۳۸۳: ۹۰). بدیهی است اثبات معتبر بودن حکم بر عهده کسی است که به آن استناد می کند (مدنی کرمانی ۱۳۹۴: ۱۸۲). قاضی ایرانی باید مطمئن شود حکم از نظر مقامات کشور صادرکننده هیچ ایرادی ندارد و دستور اجرای آن نیز صادر شده است (ارفع نیا ۱۳۸۳: ۲۵۸). بنابراین، قطعی و لازم الاجرا بودن حکم برای اجرای آن در ایران کافی نیست

و باید اجراییه نیز بر مبنای آن حکم صادر شده باشد و اگر به هر دلیل امکان صدور اجراییه از کشور خارجی نباشد، در ایران نیز نمی‌توان برای آن حکم اجراییه صادر کرد (رودیجانی ۱۳۹۲: ۳۶۸). در حقوق مصر عبارت «و به علت قانونی از اعتبار نیفتاده باشد» ذکر نشده و از نظر قانون‌گذار مصر مفهوم نظم عمومی این موضوع را نیز دربرمی‌گیرد.

پرسش مهم در زمینه این شرط آن است که چنانچه در خصوص رأی صادره از کشور خارجی اعاده دادرسی یا اعتراض ثالث صورت گرفته و قرار تأخیر عملیات اجرایی از سوی دادگاه صادرکننده رأی صادر شده باشد، این موضوع باعث عدم شناسایی و اجرای حکم خارجی می‌شود؟

در حقوق ایران اصولاً طرق فوق‌العاده شکایت از احکام اجرای حکم قطعی را معلق نمی‌کند. این ویژگی در اعتراض شخص ثالث نیز مشاهده می‌شود. بنابراین، اعتراض ثالث اثر تعلیقی ندارد (متین‌دفتری ۱۳۸۱: ۱۶۰؛ شمس ۱۳۸۷: ۴۸۱). در زمینه اعاده دادرسی نیز گفته شده: «اعاده دادرسی از طرف فوق‌العاده شکایت از احکام قطعیت یافته است». بنابراین، قابلیت اعاده دادرسی و حتی صرف درخواست اعاده دادرسی در زمینه حکم اجرای آن را متوقف نمی‌کند (شمس ۱۳۸۷: ۴۵۹). بدین ترتیب، در نظام حقوقی ایران با توجه به دکترین حقوقی و مواد ۴۲۴ و ۴۳۷ قانون آیین دادرسی مدنی اعتراض ثالث یا اعاده دادرسی درباره احکام داخلی در همه موارد مانع اجرای احکام قطعی نیست.

با توجه به شرایط مذکور در ماده ۱۶۹ ق.ا.ا.م.ا. نیز می‌توان گفت چنانچه حکم صادره در کشور مبدأ رأی قطعی و لازم‌الاجرا باشد و دستوری برای اجرای آن صادر شده باشد، در ایران نیز قابل اجراست. اما صدور قرار تأخیر عملیات اجرایی در کشور صادرکننده حکم، با عنایت به بند ۸ ماده ۱۶۹، اجرا را متوقف می‌کند. در حقوق مصر پاسخی به این مسئله داده نشده است و در زمینه احکام داخلی، با توجه به ماده ۲۴۴ ق.آ.د.م.م. اعتراض ثالث یا درخواست اعاده دادرسی باعث تأخیر اجرای حکم نمی‌شود. در زمینه اجرای احکام خارجی شرط صدور دستور اجرا ذکر نشده و با توجه به شرایط ذکر شده در ماده ۲۹۸ ق.آ.د.م.م. فقط شرط قطعی بودن حکم خارجی کفایت

می‌کند. در هر حال، به نظر می‌رسد اجرای رأیی که در کشور صادرکننده حکمی برای توقف اجرای آن صادر شده غیر منطقی است و از این منظر دیدگاه قانون‌گذار ایرانی منطقی‌تر به نظر می‌رسد.

فقدان صدور حکم مخالف از دادگاه‌های کشور مجری

بند ۵ ماده ۱۶۹ ق. ا. ا. م. ا. مقرر می‌دارد: «از دادگاه ایران حکم مخالف حکم دادگاه خارجی صادر نشده باشد». همچنین در حقوق مصر، قسمت اول بند ۴ ماده ۲۹۸، اعلام کرده: «حکم یا قرار صادره از دادگاه خارجی با حکم یا قرار دادگاه مصر صادر شده تعارضی نداشته باشد». این شرط کاملاً منطقی است. زیرا اعتبار دادن به احکام داخلی اولویت دارد. در غیر این صورت، ترجیح حکم خارجی بر حکم داخلی بدین معناست که دادگاه خارجی دعوا را بهتر حل و فصل می‌کند و توان بیشتری برای تحقق عدالت دارد؛ موضوعی که هیچ نظام حقوقی آن را نمی‌پذیرد (حداد ۲۰۱۰: ۳۵۶). دکترین و رویه قضایی فرانسه این موضوع را با نظم عمومی مرتبط می‌دانند. بنابراین، نیازی به تصریح این شرط نمی‌بینند (سلامه ۲۰۰۰: ۷۰۲). در خصوص این شرط سؤالات و ابهامات مهمی مطرح است که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

احکام غیر قابل جمع در دو دعوی متفاوت

در زمینه شرط عدم تعارض میان حکم داخلی و حکم خارجی این سؤال مطرح است که آیا باید حکم معارض صادره از دادگاه محل اجرا دقیقاً درباره همان موضوع اختلافی باشد که در کشور خارجی رسیدگی شده است یا اگر موضوع دو دعوا متفاوت اما احکام صادره از دو دعوا با یکدیگر ارتباط داشته باشند و قابل جمع نباشند، حکم صادره خارجی قابل اجرا نیست؟ مثلاً در دادگاه مصر، درباره یک قرارداد بیع، دادگاه حکم به تسلیم مبیع به مشتری داده، اما در دادگاه ایران در خصوص دعوی بطلان همان قرارداد دادگاه مزبور حکم به بطلان قرارداد داده است؛ در این صورت، کدام حکم در ایران یا مصر اجرا خواهد شد؟ در این زمینه، برخی موافقت‌نامه‌های معاضدت و همکاری قضایی بین کشورها، مانند موافقت‌نامه همکاری قضایی بین سوریه و ایران، مورخ ۱۳۸۱، در ماده ۳۲ خود، صراحتاً اعلام کرده‌اند در صورتی که حکمی در خصوص دعوا بین همان اشخاص و با همان موضوع، که اساس و منشأ آن‌ها یکی است، در کشور درخواست‌شونده

اجرا صادر شود حکم خارجی قابل اجرا نیست. بدیهی است در خصوص احکام صادره از این کشورها حکم بند ۵ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی اجرا نخواهد شد و به جای آن شرایطی که در معاهده ذکر شده اجرا می‌شود. در صورت فقدان چنین توافقاتی، معیار اصلی فقدان تعارض بین دو حکم است و لازم نیست دو حکم از جمیع جهات موضوعات مشابه داشته باشند و تعارض در یکی از مسائل حقوقی، که در دو حکم به صورت قطعی حل و فصل شده است، برای تعارض کافی است. ازین رو، اگر از دادگاه ایران حکم به اثبات فسخ یا اعلام بطلان قرارداد صادر شود، در حالی که حکمی از دادگاه خارجی مبنی بر الزام به ایفای تعهد صادر شده، حکم خارجی اجرا نمی‌شود. در حقوق مصر به این موضوع اشاره نشده؛ اما به نظر می‌رسد نتیجه فوق در حقوق این کشور نیز قابل اتباع است.

تعارض حکم قطعی خارجی با حکم غیرقطعی داخلی

در تعارض حکم خارجی با حکم داخلی این احتمال وجود دارد که حکم داخلی غیرقطعی باشد؛ اما حکم خارجی معارض قطعیت داشته باشد. حقوقدانان مصری بر آن اند که اگر حکم صادره از دادگاه داخلی قطعی نشده باشد، این حکم همچنان معتبر است و در صورت تعارض با حکم قطعی خارجی دستور اجرای حکم اخیر صادر نمی‌شود. دکترین و رویه قضایی فرانسه نیز چنین رویکردی دارد (منزلاوی ۲۰۰۸: ۲۱۹). این دیدگاه در حقوق ایران نیز قابل پذیرش است. زیرا در بند ۴ ماده ۱۶۹ ق. ا. ا. م. ا. برای اجرای حکم خارجی قطعیت لازم است؛ ولی در بند ۵ این ماده، درباره تعارض حکم خارجی با حکم داخلی، شرط قطعیت ذکر نشده است.

حکم خارجی و طرح دعوای سابق یا لاحق

گاهی دستور اجرای حکمی خارجی درخواست شده که در خصوص موضوع حکم مزبور دعوایی در دادگاه کشور محل اجرا اقامه شده است. سؤال این است که آیا صرف طرح دعوا در دادگاه داخلی مانع اجرای حکم خارجی می‌شود؟ در حقوق مصر به این سؤال پاسخ روشنی داده نشده است. برخی حقوقدانان بر آن اند که اگر تاریخ اقامه دعوا در مصر مقدم بر تاریخ اقامه دعوی موضوع حکم خارجی باشد، قاضی مصری دستور اجرای حکم خارجی را صادر نمی‌کند؛ مگر اینکه حکم دعوای مطرح شده در مصر صادر شود و بعد از آن قاضی، براساس اوضاع و احوال و

مصلحت طرفین و توجه به نظم عمومی، تصمیم می‌گیرد که کدام حکم باید اجرا شود. اما، چنانچه تاریخ اقامه دعوا در کشور خارجی مقدم بر تاریخ اقامه دعوا در مصر باشد، قاضی مصری باید دستور اجرای حکم خارجی را صادر کند. زیرا احتمال تقلب وجود دارد و ممکن است محکوم علیه، بعد از صدور حکم خارجی، به منظور بی اعتبار کردن حکم، همان دعوا را در مصر مطرح کند (منزلاوی ۲۰۰۸: ۲۲۱). در حقوق ایران به این موضوع توجه نشده است و به نظر می‌رسد تحلیل فوق در حقوق ایران نیز قابل پذیرش است.

تعارض میان دو حکم خارجی

چنانچه دو حکم خارجی در موضوع مشابه تعارض داشته باشند، تکلیف قاضی، که درخواست اجرای این احکام معارض از وی شده، چیست؟ در حقوق ایران پاسخی به این پرسش داده نشده است. بعضی محققان مصری بر آن اند که حکمی که تاریخ قطعیت آن در کشور صادرکننده مقدم بر تاریخ قطعیت حکم دیگر باشد قابل اجراست (صادق ۱۹۷۲: ۲۳۱). در مقابل، بعضی بر این باورند که قاضی باید به تاریخ اقامه دو دعوا توجه کند و حکم صادره در دعوایی که مقدم اقامه شده در مصر اجرا می‌شود؛ با این توضیح که ممکن است دعوایی در دادگاه یک کشور مطرح شود و محکوم علیه این دعوا با هدف خنثی کردن حکم صادره دعوا را در کشور دیگری اقامه و حکمی مغایر با حکم سابق اخذ کند (سلامه ۲۰۰۰: ۷۱۲). در هر حال، به نظر می‌رسد در این موارد قاضی باید با رعایت جوانب مختلف، مانند عدم مغایرت با نظم عمومی و از جمله تاریخ اقامه دعوا، حکمی را که قابلیت اجرا دارد برگزیند.

فقدان صلاحیت اختصاصی دادگاه‌های کشور محل اجرا

حکم خارجی وقتی در یک کشور قابل اجراست که در موضوعی صادر نشده باشد که دادگاه‌های کشور محل اجرای حکم صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به آن داشته باشند. با این حال، برای تعیین صلاحیت انحصاری دادگاه‌ها، معیار یکسان بین‌المللی وجود ندارد (Tang 2014: 102). ممکن دعوایی از موارد صلاحیت انحصاری دادگاه کشور «الف» تلقی شود، در حالی که همین دعوا در کشور «ب» از موارد صلاحیت انحصاری دادگاه‌های آن کشور به شمار نیاید. مادام که قانون‌گذار یک کشور موارد صلاحیت انحصاری دادگاه‌های خود را مشخص نکرده است، قضات ناچارند این

موضوع را با توجه به مقتضیات نظام حقوقی خود و همچنین مقتضیات تجارت بین‌المللی در دوران معاصر حل و فصل کنند.

بند ۶ و ۷ ماده ۱۶۹ ق. ا. ا. م. ا. در شرایط اجرای حکم خارجی مقرر می‌دارد: «۶. رسیدگی به موضوع دعوا مطابق قوانین ایران اختصاص به دادگاه‌های ایران نداشته باشد. ۷. حکم راجع به اموال غیرمنقول واقع در ایران و حقوق متعلق به آن نباشد». همچنین بند ۱ ماده ۲۹۸ ق. آ. د. م. م. بیان می‌کند: «محاکم مصر صلاحیت رسیدگی به موضوع حکم یا قرار صادره را نداشته باشد و دادگاه صادرکننده آن براساس قواعد صلاحیت بین‌المللی خود صلاحیت رسیدگی به آن را داشته باشد».

بنابراین، مطابق بند ۶ ماده ۱۶۹ ق. ا. ا. م. ا.، برای اجرای حکم خارجی رسیدگی به دعوای موضوع حکم خارجی نباید به دادگاه‌های ایران اختصاص داشته باشد. ولی، در بند ۱ ماده ۲۹۸، قانون‌گذار مصری شرط کرده که محاکم مصر صلاحیت رسیدگی به دعوای موضوع حکم خارجی را نداشته باشند. بنابراین، قانون‌گذار ایرانی بین صلاحیت انحصاری^۱ و صلاحیت متقارن^۲ تفکیک کرده و در صورتی که حکم خارجی در موضوعی صادر شده باشد که رسیدگی به آن طبق قانون ایران در صلاحیت انحصاری مراجع رسیدگی ایرانی باشد حکم خارجی را اجرا نمی‌کند. برخی بر این باورند که منظور از دعوای موضوع صلاحیت انحصاری آن است که یا طرفین دعوا، بر حسب اصل حاکمیت اراده، توافق کرده‌اند که رسیدگی به موضوع در صلاحیت دادگاه‌های ایران باشد یا طبق قانون ایران رسیدگی به آن در صلاحیت اختصاصی دادگاه‌های ایران قرار دارد که دعوای درباره اموال غیرمنقول موضوع بند ۷ ماده ۱۶۹ از آن جمله است (سلجوقی ۱۳۸۷: ۵۵۱). به باور برخی دیگر، از تدقیق در مواد ۱۱، ۱۲، ۲۰، و ۲۱ ق. آ. د. م. ا. می‌توان صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران را به ترتیب دادگاه اقامتگاه خواننده، دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول، دادگاه آخرین اقامتگاه متوفی یا محل سکونت متوفی در ایران، و دادگاه اقامتگاه شخص متوقف یا ورشکسته یا دادگاه محل استقرار شعبه یا نمایندگی شخص متوقف یا ورشکسته احصا کرد (مافی و ادبی فیروزجایی ۱۳۹۳: ۶۰). درهرحال، به دلیل خلاف اصل بودن این شرط، باید به قدر متیقن اکتفا کرد و فقط آن صلاحیت‌هایی را مانع اجرای رأی خارجی دانست که با نظم عمومی کشور یا

1. Exclusive jurisdiction
2. Concurrent Jurisdiction

منافع اشخاص مورد نظر قانون ایران مرتبط باشد؛ اموال غیرمنقول یا تقسیم اموال در صورتی که بین شرکا شخصی محجور باشد (ماده ۳۱۳ قانون امور حسبی) از این موارد است. بنابراین، اگر درباره صلاحیت انحصاری دادگاه های ایران حکم خارجی صادر شود، اجرای آن مقدور نخواهد بود. اما دعوایی که موضوع آن قواعد صلاحیت مشترک یا متقارن است، مانند دعاوی بازرگانی یا دعاوی ناشی از عقود و قراردادها، اگر در دادگاه خارجی مطرح و منتهی به صدور حکم قطعی شود، در صورت تحقق سایر شرایط، اجرای آن در ایران ممکن است.

در حقوق مصر با توجه به عبارت بند ۱ ماده ۲۹۸ ق. آ. د. م. م. این مسئله موضوع اختلاف است که آیا صرف صلاحیت دادگاه مصر باعث عدم اجرای حکم خارجی می شود؟ به نظر حقوقدانان مصری، صرف صلاحیت دادگاه مصر باعث عدم اجرای حکم خارجی نمی شود؛ وگرنه قسمت دوم این بند درباره وجوب اطمینان از صلاحیت دادگاه صادرکننده حکم، براساس قواعد صلاحیت بین المللی خود، بی فایده خواهد بود (حداد ۲۰۱۰: ۳۳۷). بنابراین، بعضی محققان مصری بر آن اند که باید بین صلاحیت انحصاری (مثلاً دعوا درباره مال غیرمنقول واقع در مصر) و صلاحیت متقارن (مانند اینکه عقودی در مصر منعقد ولی تعهد در انگلستان اجرا شود) تفکیک کرد. در مواردی که دادگاه های هر دو کشور صلاحیت دارند، حکم صادره از دادگاه خارجی در مصر قابل اجراست. دیوان عالی مصر نیز این تفکیک را در حکم شماره ۱۱۳۶ مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۹۱ پذیرفته است (منزلاوی ۲۰۰۸: ۲۱۳). برخی حقوقدانان مصری به این تفکیک ایراد می گیرند و استدلال می کنند که این تفکیک مبنای قانونی ندارد و اصولاً مفهومی با عنوان «صلاحیت انحصاری و متقارن» وجود ندارد و دادگاه های کشور یا صلاحیت دارند یا فاقد صلاحیت اند (حداد ۲۰۱۰: ۳۴۰). به باور برخی دیگر، قاضی مصر باید این موضوع را در نظر گیرد که دعوا با دادگاه های کدام کشور ارتباط جدی و اساسی^۱ دارد. اگر موضوع دعوا بیشتر به دادگاه های کشور خارجی ارتباط دارد، فقط دادگاه های کشور مذکور می توانند به دعوا رسیدگی کنند؛ اما، در صورتی که موضوع حکم خارجی بیشتر به کشور مصر ارتباط دارد، قاضی مصری ناگزیر باید درخواست اجرای حکم خارجی را رد کند (ترجمان ۲۰۰۳: ۲۰۶). با این حال دیدگاه اخیر با ظاهر عبارات قانون مصر

همخوانی ندارد و به نظر می‌رسد به‌رغم استفاده از عبارات متفاوت در قوانین دو کشور قانون‌گذاران ایران و مصر بر صلاحیت انحصاری دادگاه‌های داخلی به‌مثابه مانع اجرای حکم خارجی نظر داشته‌اند.

نتیجه

با بررسی شرایط اجرای احکام خارجی در نظام حقوقی مصر و ایران می‌توان گفت گرچه تفاوت‌هایی در خصوص برخی شرایط اجرا میان این دو نظام حقوقی مشاهده می‌شود، این تفاوت‌ها بیش از آنکه ماهوی باشند، به دلیل اختلاف در حوزه برخی مفاهیم، مانند نظم عمومی و دایره شمول موضوعات زیرمجموعه آن، است. نکته قابل توجه در خصوص هر دو نظام حقوقی این است که ضوابط هر دو بسیار قدیمی است و در مواردی با مقتضیات روابط خصوصی بین‌المللی امروزه سازگاری ندارد. وجود برخی ضوابط، همانند شرط رفتار متقابل، مانعی مهم در توسعه روابط خصوصی بین‌المللی است. نکته قابل توجه دیگر نقص رویه قضایی ایران در موضوع شرایط اجرای احکام خارجی در مقایسه با نظام حقوقی مصر است. این کمبود ناشی از قلت تعداد درخواست اجرای حکم خارجی از دادگاه‌های ایران است که خود ناشی از ضعف روابط خصوصی بین‌المللی به‌ویژه در حوزه تجاری میان فعالان تجاری ایران و سایر کشورهاست. بدون تردید رویه قضایی در زمینه اجرای احکام خارجی نقشی مهم دارد. زیرا تشخیص برخی شرایط مانند عدم تعارض حکم خارجی با نظم عمومی ایران در اختیار قاضی است و قانون برای تشخیص چنین مسائلی معیار روشنی ارائه نمی‌دهد. کمبود رویه قضایی در این زمینه قاضی ایرانی را در موقعیتی قرار خواهد داد که او در مقام اولین شخص تصمیم‌گیر در تشخیص مصادیق خلاف نظم عمومی ایران باید تصمیم بگیرد و احتمال تصمیم‌گیری نادرست را افزایش می‌دهد. در حال، در زمینه شرایط اجرای حکم خارجی دیدگاه غالب در اکثر نظام‌های حقوقی دنیا این است که باید در اعمال شرایط انعطاف‌پذیر بود تا بدین ترتیب تا حد ممکن از رد درخواست اجرای حکم خارجی و تضییع حقوق اشخاص جلوگیری شود.

منابع

۱. ارفع نیا، بهشید (۱۳۸۳). حقوق بین‌الملل خصوصی، ج ۲، تهران، بهتاب.
۲. پورنوری، منصور (۱۳۸۳). «شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های خارجی در ایران»، کانون وکلا، ۱۸۶ و ۱۸۷، ص ۷۸ - ۹۱.
۳. رودیجانی، محمدمجتبی (۱۳۹۲). تفسیر جامع قانون اجرای احکام مدنی، تهران، کتاب‌آوا.
۴. سلجوقی، محمود (۱۳۸۷). حقوق بین‌الملل خصوصی، ج ۲، تهران، میزان.
۵. شمس، عبدالله (۱۳۸۷). آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)، ج ۲، تهران، دراک.
۶. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۳). حقوق تجارت بین‌الملل، تهران، سمت.
۷. _____ (۱۳۹۲). حقوق تطبیقی، ویراست دوم، تهران، سمت.
۸. مافی، همایون و رشید ادبی فیروزجایی (۱۳۹۳). «صلاحیت دادگاه‌های ایران در قلمرو حقوق بین‌الملل خصوصی»، دانش حقوق مدنی، ۳(۲)، ۴۸-۶۳.
۹. متین‌دفتری، احمد (۱۳۸۱). آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، ج ۲، تهران، مجد.
۱۰. مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۸۴). حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران، جنگل.
۱۱. مدنی کرمانی، عارفه (۱۳۹۴). اجرای احکام مدنی، تهران، مجد.
۱۲. مردانی، محمدحسن (۱۳۹۰). «شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های خارجی در حقوق ایران»، کانون، ش ۱۲۳، ص ۱۳۳ - ۱۶۴.
۱۳. مهاجری، علی (۱۳۸۸). مبسوط در آیین دادرسی مدنی، ج ۱، تهران، فکرسازان.
۱۴. _____ (۱۳۸۹). مبسوط در آیین دادرسی مدنی، ج ۳، تهران، فکرسازان.
۱۵. واحدی، قدرت‌الله (۱۳۸۳). آیین دادرسی مدنی، کتاب دوم، تهران، میزان.
۱۶. ترجمان، محمدخالد (۲۰۰۳). الاختصاص القضائي الدولي و آثار الاحکام الاجنبیه، ج ۲، قاهره، طوبجی.
۱۷. الجداوی، احمد قسمت (۱۹۸۸). مبادئ القانون الدولي الخاص، قاهره، دار النهضه العربیه.
۱۸. حداد، حفیظه (۲۰۱۰). الاختصاص القضائي الدولي و تنفيذ الاحکام الاجنبیه و احکام التحکیم، ج ۲، بیروت، الحلبي الحقوقیه.
۱۹. سلامه، احمد عبدالکریم (۲۰۰۰). فقه المرافعات المدنیة الدولیه، قاهره، دار النهضه العربیه.

٢٠. صادق، هشام (١٩٧٢). *تنازع الاختصاص القضائي الدول - درسه مقارنه، قاهره، منشاه المعارف.*
٢١. _____ (٢٠١٤). «مدى حق القضاء المصرى فى التخلى عن اختصاصه فى المنازعات المدنيه و التجاريه»، قابل دسترسى در: <http://cutt.us/uYLIIm>
٢٢. طعمه، شفيق و اديب استانبولى (١٩٩٠). *تقنين اصول المحاكمات السورى فى المواد المدنيه و التجاريه، الجزء الاول، دمشق، منشورات المراسلات.*
٢٣. عبدالعال، عكاشه (٢٠٠٠). *الاجراءات المدنيه و التجاريه فى دوله الامارات العربيه المتحده، بيروت، الحلبي الحقوقيه.*
٢٤. العيسى، طلال ياسين (٢٠٠٩). «علاقه الاختصاص القضائي الدولى بالنظام العام»، *جامعه دمشق للعلوم الاقتصاديه و القانونيه، ١، ص ٣٠٥ - ٣٣٦.*
٢٥. منزلاوى، صالح جاد (٢٠٠٨). *الاختصاص القضائي بالمنازعات الخاصه الدوليه و الاعتراف و التنفيذ الدولى للاحكام الاجنبيه، قاهره، دار الجامعه الجديده.*
26. Brand, A. R. (2012). "Recognition and Enforcement of Foreign Judgments", Federal Judicial Center, available at: <https://www.fjc.gov/sites/default/files/2012/BrandEnforce.pdf>, last visited: April 14, 2018
27. Foda, T. & Kamel, R. (2010). "Egypt" in *Aircraft Repossession and Enforcement: Practical Aspects*, Vol. II, Nath, Ravi & Crans (eds), 2 Volumes, Netherland: Kluwer Law International.
28. Juenger, F. K. (1988). The Recognition of Money Judgements in Civil and Commercial Matters, *American Journal of Comparative Law*, 36 (1), pp. 1-39.
29. Lorenzen, E. G. (1947). *Selected Articles on the Conflict of Laws*, the US: New Haven.
30. Oelmann, J. (2006). The Barriers to the Enforcement of Foreign Judgements as opposed to those of Foreign Arbitral Awards, *Bond Law Review*, Vol. 18, Issue 2, pp. 77-103.
31. Tang, Z. S. (2014). *Jurisdiction and Arbitration Agreements in International Commercial Law*, New York: Routledge.